

## تقدیر فرمانده انتظامی خراسان رضوی از مشاوران برتر ستون در امتداد تاریکی

**گروه حوادث** - رئیس پلیس استان خراسان رضوی از مشاوران برتر ستون «در امتداد تاریکی و روشنایی» صفحه حوادث روزنامه خراسان تقدیر کرد.

به گزارش روزنامه خراسان، فرمانده انتظامی خراسان رضوی با بیان این که مشاوران کلانتری ها در خط مقدم پیشگیری از جرم قرار دارند، به فعالیت ها و خدمات ارزنده آن ها در «ستون در امتداد تاریکی و روشنایی» روزنامه خراسان اشاره کرد و گفت: یکی از شیوه های مهم در اصول روان شناختی برای افرادی که در معرض آسیب های اجتماعی قرار دارند، بیان سرگذشت ها به صورت نصیحت غیرمستقیم است تا این افراد از آن چه برای دیگران رخ داده است، درس عبرت بگیرند و راه خطا را نروند. سردار سرتیپ محمد کاظم تقوی افزود: امروز مشاوران و مددکاران اجتماعی در کلانتری ها نقش بسیار مهمی در کاهش آسیب های اجتماعی دارند و با تلاش بی شائبه آنان تعداد زیادی از پرونده های قضایی در حالی به سرانجام می رسد که از وقوع آسیب های مرتبط با یک معضل اجتماعی مانند طلاق نیز جلوگیری می شود.

سردار سرتیپ تقوی همچنین از زحمات مشاوران کلانتری ها که در ستون «در امتداد تاریکی و روشنایی» روزنامه خراسان قلم می زند قدر دانی کرد و با بیان این که نفات برتر مشاوران در دستور فرماندهی انتظامی تشویق می شوند، افزود: اگر حتی یک نفر نیز با مطالعه سرگذشت و سرنوشت دیگران، مسیر درست زندگی را بیابد و از بیراهه بازگردد، برای ما در پلیس خراسان رضوی موجب افتخار است که با مشاوره غیر مستقیم و مستقیم، فردی را از مسیر خطا باز داشته ایم. به گزارش خراسان، رئیس پلیس پیشگیری استان خراسان رضوی نیز ضمن تقدیر از تلاش های مشاوران و مددکاران اجتماعی برای تهیه مطالب ستون در امتداد تاریکی روزنامه خراسان گفت: بی شک زحمات آن ها برای پیشگیری از وقوع جرم ستودنی است و امیدواریم که تعامل رسانه و پلیس در پیشبرد اهداف

انسانی و جلوگیری از آسیب های اجتماعی استمرار یابد. سرهنگ محمد دولخانی تصریح کرد: هر قدمی که برای تشکیل نشدن یک پرونده قضایی در استان خراسان رضوی برداشته شود، خود از بسیاری معضلات اجتماعی دیگر جلوگیری می کند و در این راه مشاوران کلانتری سهم بسزایی دارند. سرهنگ دولخانی همچنین با بیان این که ستون در امتداد تاریکی روزنامه خراسان مخاطبان زیادی دارد، افزود: همین موضوع نعمت بزرگی است که پلیس می تواند در راستای کاهش جرم و پیشگیری از آسیب های اجتماعی از آن بهره ببر و همه مددکاران اجتماعی که در این زمینه همکاری می کنند، شایسته قدردانی هستند.

دبیر گروه حوادث روزنامه خراسان نیز با اشاره به این که برخی از مشاوران و مددکاران اجتماعی در کلانتری ها، قلم توانایی برای نگارش موضوعات اجتماعی دارند از آنان در ایام روز خبرنگار قدردانی و اظهار امیدواری کرد، این نویسندگان به تلاش های خود برای آگاهی بخشی به جامعه همچنان ادامه دهند چرا که نتیجه زحمات آنان در

صفحه حوادث منتشر می شود و بسیاری از افراد جامعه را از سقوط در مسیر خلاف باز می دارد. «سجادپور» افزود: از میان مشاوران کلانتری هایی که در مشهد با ستون در امتداد تاریکی همکاری داشتند پنج نفر که بیشترین مطالب را ارسال کرده بودند به عنوان نفارت برتر معرفی شدند که عبارتند از: سرهنگ صبوری (کلانتری سپاد)، خانم کریمی (کلانتری طبرسی شمالی)، سرهنگ ارجمند (کلانتری آبکوه)، سرهنگ گلمکانی (کلانتری قاسم آباد) و سرگرد معیدی (فر کلانتری میرزا کوچک خان).

دبیر صفحه حوادث روزنامه خراسان همچنین از مشاوران شش کلانتری دیگر که همکاری بیشتری با ستون در امتداد تاریکی داشتند و مطالب ارسالی آنان تا حد امتیازات ویژه رسید قدر دانی کرد و گفت: مشاوران و مددکاران کلانتری های نجفی، امام رضا(ع)، سجاد، سناباد، احمدآباد و پنجتن از جمله مشاورانی بودند که در سال گذشته به طور ویژه با ستون در امتداد تاریکی

همکاری کردند.

وی اضافه کرد: طبق دستور سردار سرتیپ محمد کاظم تقوی مقرر شد، پنج مشاور برتر کلانتری ها به همراه شش مشاور برگزیده در دستور فرماندهی استان خراسان رضوی مورد تشویق قرار گیرند اما علاوه بر تجلیل و قدر دانی از پنج مشاور برتر که در طول سال گذشته (۱۴۰۰) تلاش کردند، علاوه بر این تشویق، هدیه نقدی نیز به آنان تقدیم می شود.

سجادپور ادامه داد: همچنین برای ارج نهادن به زحمات و هدایت های روسای کلانتری های برتر، یک شماره اشتراک رایگان روزنامه خراسان نیز برای سرگرد جعفر عامری، (سپاد) سرگرد جواد یعقوبی (طبرسی شمالی)، سرهنگ ابراهیم خواجه پور (آبکوه)، سرهنگ سیدرضا معطری (قاسم آباد) و سرهنگ علی عبدی (میرزا کوچک خان) ارسال خواهد شد و روسای این کلانتری ها نیز با عنایت رئیس پلیس خراسان رضوی در دستور تشویق خواهند شد.

### کیفرخواست جنایت به خاطر اِرتیه در مشهد صادر شد

# بیدار خوابی در زیر زمین برای قتل نامادری!

**سید خلیل سجادپور** - کیفرخواست پرونده مردی که نامداری اش را به خاطر اختلاف بر سر اِرتیه به قتل رسانده بود، با تایید نماینده دادستان مشهد تایید و به دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، شب بیستم اسفند سال ۹۹ بود که مرد ۵۸ ساله وارد خیابان امامیه ۱۳ شد. او نگاهی به اطرافش انداخت و سپس به آرامی از روی دیوار همسایه به پشت بام منزل ویلایی رفت که «زن پدرش» در آن زندگی می کرد. او به درون حیاط پرید و سپس پاورچین پاورچین به داخل زیرزمین رفت که به صورت انباری استفاده می شد.

«جواد» مقداری موادمخدر صنعتی از جیبش بیرون آورد و مشغول استعمال شد. او سال ها قبل به جرم حمل موادمخدر به حبس ابد محکوم شده بود اما در سال ۹۷ بعد از تحمل ۱۲ سال زندان عفو شد و از زندان بیرون آمد ولی باز هم به سراغ موادمخدر صنعتی رفت و روزگار سیاه خود را باز هم روی تکرار گذاشت. حالا دیگر چیزی نداشت و همسرش



نیز طلاق گرفته بود. «جواد» با زنی که او را «مادر» صدا می زد در گلبهار به زندگی ادامه داد ولی مخارج اعتیادش روز به روز بالا می رفت تا جایی که به جمع آوری ضایعات پرداخت. او روزهای تلخی را پشت سر می گذاشت تا این که در آذر سال ۹۹ پدرش به دلیل ابتلا به کرونا از دنیا رفت و او به فکر فروش منزل ارثیه ای پدرش افتاد که اکنون نامادری اش در آن خانه زندگی می کرد.

همین موضوع موجب بروز اختلافاتی بین ورثه شده بود و کار به شکایت کشید و ... گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، حالا «جواد» در حالی که همچنان موادمخدر مصرف می کرد و درون زیرزمین بیدار خوابی می کشید، به روزهای تلخ گذشته خود نیز می اندیشید تا این که هواروشن شد.

هیچ صدایی از طبقه اول ساختمان نمی آمد و مرد ۵۸ ساله چشمانش را باز نگه داشته بود تا خوابش نبرد. صبح بود که بساطش را جمع کرد و به آرامی از زیرزمین خارج شد و به طبقه بالا رفت. او از طریق پنجره رو به بالکن که یکی از میله های فلزی آن را خارج کرده بود وارد منزل «مهری» (نامادری) شد. در این هنگام «مهری» با ایجاد سروصدای «جواد» در حالی از خواب پرید که کنار بخاری منزل به خواب رفته بود. مرد ۵۸ ساله بلافاصله دهان نامادری را با دستمال بست تا سروصدانکند اما در میان همین درگیری بود که «جواد» تیغه چاقو را بر گردن «زن پدرش» فرود آورد و سپس پیکر خون آلود او را به داخل حمام منزل کشاند تا

از شر جسد رها شود اما در این هنگام صدایی ظریف از بیرون منزل شنید که نام «مهری» را بر زبان می راند! «جواد» بلافاصله از داخل اتاق و در حالی که سعی می کرد صدایش را نازک کند، پاسخ داد: «من حمام هستم!» و وقتی آن زن از محل رفت، «جواد» هم سراپیمه از منزل خارج شد و به گلبهار گریخت. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، از سوی دیگر خواهر «مهری» هر چه با او تماس می گرفت کسی پاسخ تلفن را نمی داد. او که به شدت نگران شده بود، موضوع را به دیگر بستگانش اطلاع داد و بدین ترتیب دایی «مهری» برای اطلاع از وضعیت او، به منزل «مهری» آمد ولی اوضاع بسیار مشکوک بود چرا که کفش های «مهری» پشت در قرار داشت اما او در منزل را باز نمی کرد. همسایه طبقه بالا نیز گفت: چند دقیقه قبل من او را از بیرون منزل صدازدم ولی گفت که داخل حمام است! طولی نکشید که با تماس دایی «مهری» نیروهای امدادی و پلیسی از راه رسیدند و با گشودن در منزل، با صحنه وحشتناکی روبه رو شدند؛ «مهری» زن ۴۶



تشریح صحنه جنایت توسط قاتل

ساله به قتل رسیده بود و جسد او در حالی درون حمام منزل قرار داشت که دهانش نیز با پارچه ای بسته شده بود.

ساعتی بعد با حضور قاضی ویژه قتل عمد و کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در محل وقوع قتل، ته سیگارهای تازه مصرف شده در زیرزمین منزل کشف شد و بدین

ترتیب تحقیقات برای ردزنی قاتل فراری ادامه یافت. از طرف دیگر بررسی های مقام قضایی نشان داد که اختلافاتی بین مرحوم ورثه بر سر اِرتیه پدری وجود دارد که همین سرنخ مهم، کارآگاهان را به گلبهار کشاند و بدین ترتیب «جواد» در حالی دستگیر شد که نوع سیگار مصرفی او با ته سیگارهای کشف شده در محل وقوع جنایت مطابقت داشت. این مرد ۵۸ ساله که دیگر چاره ای جز اعتراف نداشت ابتدا تلاش کرد تا ماجرای جنایت را به دفاع

خود ارتباط دهد. او که پس از مدتی تحمل زندان، مقابل قاضی دکتر صادق صفری ایستاده بود، درباره حادثه آن شب گفت: وقتی صبح به طبقه بالا رفتم ابتدا به «مهری» گفتم: «ما به تو بدی نکردیم! چرا این کار را با ما می کنی؟ چرا خانه را تخلیه نمی کنی؟» او هم که ترسیده بود با چاقو به دست به من حمله ور شد و من هم از خود دفاع کردم!

اما در ادامه اعترافاتش گفت: وقتی چاقو را به گردن نامادری ام زدم او روی زمین افتاد و در همان حال به من گفت: مرا راحت کن! نگذار بیشتر اذیت شوم! من هم پیکر او را به درون حمام بردم و از خانه خارج شدم!

گزارش روزنامه خراسان حاکی است، پس از اعترافات مقرون به واقع متهم و بازسازی صحنه جنایت، تحقیقات قضایی تکمیل شد و بدین ترتیب با صدور کیفرخواست در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد که به تایید نماینده دادستان مرکز خراسان رضوی رسیده بود، این پرونده جنایی به دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد تا این مرد ۵۸ساله پای میز عدالت بنشیند.



محل اختفای قاتل در زیر زمین

### توقیف خودروی وانت

### با ۷ میلیون تومان خلافی

رئیس پلیس راه زرنند - یزد از توقیف خودروی وانت با هفت میلیون تومان خلافی خبر داد. سرگرد انثی عشری بیان کرد: این خودرو به دلیل تخلفات حادثه ساز و داشتن خلافی هفت میلیون تومانی در محور زرنند به کرمان توقیف شده است. وی افزود: خودروی متخلف روانه پارکینگ شد تا به تخلفاش ر رسیدگی شود.

در امتداد تاریکی

### خانواده عروس

### رافریب دادیم اما...

وقتی پسر بزرگم را می بینم که چگونه در منجلاب کثیف اعتیاد دست و پا می زند، دلم به درمی آید و بسیار زجر می کشم. این در حالی است نه تنها کاری از دستم ساخته نیست بلکه جگر گوشه دیگرم نیز تر غیب به وصف مواد شده است و از برادرش الگوبرداری می کنده به گونه ای که ...

به گزارش روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۵ ساله ای است که برای رهایی فرزندش از چنگال مخوف اعتیاد دست به دامان قانون شده بود. او درباره سرگذشت فرزندش به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری احمدآباد مشهد گفت: حدود هشت سال قبل بود که دیگر همه شک و تردیدهایم را کنار گذاشتم و چندین ساعت اشک ریختم چرا که فهمیدم پسر ۱۷ ساله ام به یک معتاد حرفه ای تبدیل شده است. تا آن روز وقتی آثار اعتیاد را در چهره و رفتار فرزندم می دیدم، مدم از خودم را دلداری می دادم که اشتباه می کنم، پسر من مانند فرزندان دیگران نیست که آلوده موادمخدر بشود. آن روزها خودم را فریب می دادم و برای جلوگیری از آبروریزی همه چیز را بنهان می کردم. وقتی فهمیدم دیگر در گرداب اعتیاد دست و پا می زند تصمیم گرفتم به طور مخفیانه پسرم را در یکی از مراکز ترک اعتیاد بستری کنم اما فقط سه روز بعد از رهایی از مرکز ترک اعتیاد دوباره نزد دوستان معتادش رفت و پا به پاتوق های استعمال موادمخدر گذاشت. بارها تلاش کردم و او از این وضعیت اسفبار نجات بدهم اما همه تلاش هایم بی نتیجه ماند و من فقط هزینه هایش را پرداخت می کردم. پدرام دیگر در س و مدرسه را رها کرده بود و تنها با موادمخدر زندگی می کرد. بالاخره یک روز تصمیم گرفتم با برخی از افراد مورد اعتمادم در این باره مشورت کنم. آن ها پیشنهاد کردند اگر پسرم از دواج کند، به ناچار مصرف موادمخدر را ترک می کند و سرگرم زندگی می شود. با آن که وجدانم به این کار رضایت نمی داد اما به خاطر نجات فرزندم دختری را انتخاب کردم و به خواستگاری اش رفتم. خانواده عروس از اعتیاد پدرام اطلاع نداشتند و ما هم به هر تر فندی متوسل شدیم تا آن ها متوجه ماجرا نشوند. پدرام برای چند روز اعتیادش را کنار گذاشت و دارو مصرف کرد تا از دواج آن ها به ثبت رسید. او به محض این که از دفتر ثبت ازدواج بیرون آمد یکسره به پاتوق مصرف موادمخدر رفت و این گونه دوباره به اول خط بازگشت. از آن روز به بعد سونیا به کیسه بکس تبدیل شده بود و پسرم در هنگام خماری او را زیر مشت و لگد می گرفت. حتی زمانی که دچار توهم ناشی از مصرف موادمخدر می شد نیز عروسم را از آزار و اذیت می کرد. حالا دیگر بسیاری از شب ها را نیز به خانه نمی آمد و با رفتارهای دیوانه وار ش سونیا را زجر می داد تا جایی که از دواج آن ها فقط پنج ماه دوام آورد و بعد از آن سونیا که از فریبکاری های ما مطلع شده بود، طلاق را گرفت و به دنبال سرنوشت تیره ای رفت که ما برایش رقم زده بودیم. در این میان، من هم به زنی فریبکار و سرخورده معروف شده بودم. بعد از این ماجرا پدرام دوباره به خانه ما بازگشت و با پُروپوی و بی شرمی بساط موادمخدرش را مقابل چشمان کنجکا و برادر کوچک ترش پهن کرد. از آن روز به بعد من فقط گریه می کردم و خودم را مقصر این حوادث تلخ می دانستم چرا که با تشویق برادرش در کنار او موادمخدر مصرف می کردم و من دچار عذاب وجدان شده بودم. با خودم می اندیشیدم کاش روز هایی را که پسرم به من نزدیک می شد تا با من درد دل کند به حرفش گوش می دادم. من از ترس این که مبادا در باره موادمخدر حرفی بزنم حتی به او اجازه نمی دادم مانند یک دوست در کنار پدرش بنشیند و با او درد دل کند. روز هایی را به یاد می آورم که می دانستم پسرم در نوجوانی به سمت دوستان ناباب گرایش پیدا کرده است اما به خاطر حفظ آبروی خانوادگی آن را پنهان می کردم تا کسی چیزی نفهمد. در واقع پسرم را به حال خودش رها کردم و تنها با بوییدن دهانش با جست و جود لباس هایش او را کنترل می کردم تا تردیدهایم درباره گرایش او به موادمخدر بر طرف شود. اکنون هم که پسر کوچکم مسیر خلافتکاری های برادرش را الگوی خودش قرار داده است، به دایره مشاوره و مددکاری آمده ام تا دست به دامن قانون شوم. گزارش روزنامه خراسان حاکی است، با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد علی عسگری (رئیس کلانتری احمدآباد مشهد) مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی ماموریت یافتند تا بررسی های روان شناختی و قضایی را با احضار پدرام به کلانتری آغاز کنند و او را از این مرداب وحشتناک نجات دهند.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

مرکز فارغ التحصیلی فاطمه اکبری فرزند احمد به شماره شناسنامه ۲۸۴۶۲ صادره از مشهد مقطع کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی صادره از دانشگاه الزهرا (س) تهران به شماره ۸۵۴/۰۱-۰۱: تاریخ ۸۸/۲/۲۶ مفقود و فاقد اعتبار است. اینجانبه تقاضا میشود به دانشگاه الزهرا (س) به آدرس ونگ ارسال نماید